

## Analyzing and Criticizing the Doubt of the Qur'an's Effectiveness of the Poems of Umayyad bin Abi al-Salt Thaghafi

Maryam Mozaffari \*

Fourth-level Graduate of Comparative Interpretation, Professor and Researcher of Jami'at Al Zahra (S), Qom, Iran

Seyyed Hossein Shafiei Darabi 

Director of the Qur'anic Sciences and Tafsir of Jami'at Al Zahra (S), Qom, Iran

### Abstract

#### Introduction

The facts in the field of "Qur'an studies" are indicative of the fact that the structure and content of the first and most important source of the world religion of Islam and the greatest miracle of the Prophet (PBUH) have long been the focus of orientalists. In the meantime, some of those who have achieved a correct understanding of the verses of this supreme heavenly book and its miraculous nature, believed in the divinity and authenticity of the content of the Qur'an and the heavenly prophethood of Muhammad, peace and blessings of God be upon him, but another group tried to make the pure appearance of the Qur'an in its various forms appear unjustified and cast doubts on it. The word "Isthriq" (which is considered the root of the word "Orientalist") originally means "seeking light"; and in the term, it means "finding out Western scientists about Eastern sciences and customs"; therefore, this word is synonymous with "Oriental studies"; and what is meant by Orientalists in this article is: "Orientalists, scholars and researchers and knowledgeable about the issues of the Orient"; "Orientalists" in this research means a group of non-Muslim Western scholars who research and conduct research in

\* Corresponding Author: maryam110927@gmail.com

**How to Cite:** Mozaffari, M., Shafiei Darabi, S. H. (2023). Analyzing and Criticizing the Doubt of the Qur'an's Effectiveness of the Poems of Umayyad bin Abi al-Salt Thaghafi, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 14(54), 39-65.

the field of Islam and the Qur'an with different motivations (preaching, colonialism, and science). (Adapted from: Dehkhoda, Ali Akbar, No. Harf Mim, Part II, p. 347; Dr. Hassan Anuri, p. 6965 Oriental words; Dr. Moin's Persian dictionary, one volume, p. 100 Oriental words) Spoken and written works of some of them in the field of the Holy Quran, indicate that many doubts have been raised by them on the holy body of Islam, especially on the Qur'an; among them is the question of "the influence of the Qur'an on Jahili poems". The word "affect" in the word means effect and mark in something (Safipuri Shirazi, 2018, vol. 1, under the word "affect"). The meaning of "being influenced by works" means that a work has been influenced and shaped by one or more other works. A number of Orientalists believe that the Qur'an was influenced by Jahili poems. They have focused a lot on the poems of two poets: one is the poems of "Umayyah bin Abi al-Salat" and the other is the poems of "Amr'u al-Qais" (known as "Amir al-Shaara" of the Jahili period). The requirement of this doubt is that the Qur'an is not revealed and sent by God, but it is made and paid by the Messenger of God (PBUH). Of course, this article is the only answer to the question,

### **Research Question(s)**

How to analyze and criticize the doubt of the influence of the Qur'an on the poems of Umayyad Ibn Abi al-Salat?

### **2. Literature Review**

By searching in books, treatises, theses, and articles, a specific work with the title "Criticism and examination of Orientalists' doubts about the source of the Umayyad poems of Ibn Abi al-Sallat" was not found, but general works in this field were identified:

1- The book Doubts and Responses, Knowledge, by Mohammad Hadi; This book has been translated into Farsi by a group of translators; and it was published under the title "Criticism of Doubts About the Holy Qur'an" by "Al-Tamhid" Cultural Publishing Institute of Qom in 2015; on pages 288 to 290 of this book; after raising this question: "Is the Quran influenced by Jahili poetry"? Attention has been paid to the fact that "Tasdal", in the book "Mosadr al-Islam"

("Sources of Islam"), quoted the words of some critics of the Qur'an. Regarding the effectiveness of this book, he has discussed some of the poems of the Jahilit era. The author of the book "Doubts and Rejections", in the following, answered this in a concise manner (p. 533);

2- The book "Orientalists and Quran" (1385) written by Mohammad Hassan Zamani. In a part of this book, the views of Orientalists and Western Islamologists about the origin of the Qur'an are discussed in general, and there is no correlation between the verses and the alleged works;

3- Book: The Hypothesis of Adaptation of the Holy Quran from Non-Divine Sources: Review and Criticism of Orientalists' Doubts, Author: Mohammad Saeed Fayaz, Editor: Ali Sharifi, Qom, Fallah Publications, 2013, first edition;

4- Book: Orientalists and Islam, author: Qutb, Muhammad, Cairo - Egypt, Wahba School, 1402 AH/ 1999 AD, Bi Cha;

5- Book: Collection of articles on the Qur'an and Hadith and the Qur'an and the Orientalists; a group of writers; under the supervision of Mohammad Ali Rezaei Esfahani, with the cooperation of Mohammad Javad Eskanderlou, Seyyed Haydar Tabatabai, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, 2016;

### **3. Methodology**

The information of this research was collected in a documentary way and processed with a descriptive-analytical method.

### **4. Results**


The most important point and the result of the contents of the seven criticisms mentioned in this writing is: the existence of serious literary problems in the poems of "Umayyad Ibn Abi al-Salt" and the lack of strong or reliable literary techniques obtained from comparing the Qur'an with his poems, indicates that the mentioned doubt, is completely invalid, baseless, and inconsistent with the existing facts.


## **6. Conclusion**

The Qur'an with his poems indicates that the mentioned doubt is completely invalid, baseless, and inconsistent with the existing facts

**Keywords:** Umayyad Ibn Abi al-Salt, the Qur'an's Effectiveness of the Umayyad's poems, conflicts in Umayyads's poems, the field of challenge with the Quran.

## نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیه بن ابی الصلت ثقفی» همراه با تحلیل دیدگاه‌های «کلمان هوار» و «تسدال»

مریم مظفری  \* | دانش آموخته سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی جامعه الزهرا (س)، قم، ایران

سیدحسین شفیعی دارابی  | استادیار گروه علوم قرآن جامعه الصطفی العالمیه، قم، ایران

### چکیده

کارکردهای مستشرقان در مواجهه با قرآن کریم حکایت از این دارد که آنان در عرصه مقابله با این معجزه ماندگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شبهات فراوانی را طراحی نموده‌اند تا بدین وسیله از ارزش و جایگاه آن در میان ملت‌ها بکاهند؛ و بدین طریق از تأثیرگذاری آن در اقشار مختلف جلوگیری نمایند. شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار جاهلی؛ از جمله این شبهات محسوب می‌شود. در این نوشتار، تنها شبهه مصدر بودن سروده‌های «امیه ابن ابی الصلت» برای قرآن کریم، مورد واکاوی قرار گرفت، و به شبهه آنان در این حوزه خاص، پاسخ داده شد. اطلاعات این پژوهش به شیوه اسنادی گردآوری و با روش توصیفی-تحلیلی پردازش یافت. براینده تحقیق برآمده از مفاد نقدهای هفتگانه مذکور در این نوشته این است: وجود اشکالات فاحش ادبی در اشعار «امیه ابن ابی الصلت» و فقد صنایع استوار ادبی بدست آمده از مقارنه قرآن با سروده‌های وی، حاکی از این است که شبهه مذکور، کاملاً باطل، بی اساس، و غیر همخوان با واقعیات موجود می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اشعار امیه بن ابی الصلت، تأثیرپذیری قرآن، خاستگاه شبهه، تعارضات سروده‌ها، تحدی با قرآن.

## ۱. مقدمه

واقعیات در عرصه «قرآن‌شناسی» گویای این حقیقت است که ساختار و محتوای نخستین و مهم‌ترین منبع آیین جهانی اسلام و برترین معجزه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) از دیر باز مورد توجه مستشرقان قرار گرفته است. در این میان، برخی از آنان که به درک درستی از آیات این برترین کتاب آسمانی و معجزه بودن آن دست یافته‌اند، به الهی بودن و حقانیت محتوای قرآن و آسمانی بودن پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله باور پیدا کردند ولی گروهی دیگر با انگیزه‌های مختلف، سعی نمودند تا سیمای ناب قرآن را در شکل‌های گوناگون آن، ناموجه جلوه داده و شبهاتی بر آن وارد سازند. منظور از واژه «مستشرقان» در این نوشتار، معادل «خاورشناسان» بوده و معنای آن همان غربی‌های غیر مسلمانی است که در زمینه اسلام و قرآن با انگیزه‌های مختلف (تبشیری، استعماری و علمی) پژوهش نموده و می‌نمایند. آثار گفتاری و نوشتاری موجود حاکی از این است که شبهات فراوانی از سوی برخی از مستشرقان بر پیکره مقدس دین اسلام بویژه بر قرآن وارد شده است؛ از جمله آن شبهات، طرح شبهه «تأثیرپذیری قرآن از اشعار جاهلی» است. واژه «تأثیر» در لغت به معنای اثر و نشان گذاشتن در چیزی است (صفی پوری شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۱، ذیل واژه «اثر»؛ و مقصود از «تأثیرپذیری از آثار» به این معنا است که اثری از یکک و یا چند اثر دیگر، تأثیر پذیرفته و شکل گرفته باشد. برخی از مستشرقان بر این باورند که قرآن از اشعار جاهلی تأثیر پذیرفته است. آنان روی سروده‌های دو شاعر، زیاد تمرکز کرده‌اند: یکی اشعار «أمیة بن أبی الصلت» و دیگری اشعار «امرؤ القیس» (معروف به «امیرالشعراء» دوران جاهلیت). لازمه این شبهه این است که قرآن، وحیانی و فرستاده از سوی خداوند نباشد بلکه ساخته و پرداخته رسول خدا (ص) می‌باشد. در این نوشتار، تنها شبهه «تأثیرپذیری قرآن از اشعار «أمیة بن أبی الصلت» مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد. بر این اساس، این نوشتار به پرسش «شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار امیة ابن ابی الصلت چگونه تحلیل و نقد می‌شود؟» پاسخ خواهد داد.

### ۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

تحلیل و نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از آثار پیشینیان از جهت تثبیت «قداست قرآن»، تقویت اندیشه وجود رابطه متقابل بین باورها و عمل به فرامین الهی، و ....، دارای اهمیت است؛ زیرا شبهه افکنی‌ها موجب بروز شک و تردید در افراد شده و در نتیجه منتهی به تخریب باورها می‌شود. در سده‌های اخیر نیز به صورتی چشم‌گیر، شاهد طرح شبهاتی متعدد بر پیکره مقدس قرآن از سوی برخی از خاورشناسان بوده و هستیم. بعضی از آنان، جهت ترویج یهودیت و مسیحیت و یا اهداف دیگر، به طرح شبهه مصدر بودن تورات و انجیل برای قرآن روی آورده‌اند؛ عده‌ای دیگر نیز، جهت ایجاد خدشه در الهی و آسمانی بودن قرآن، مسئله اقتباس قرآن از اشعار جاهلی و فرهنگ زمانه را مطرح کرده‌اند. ضرورت زدودن این زنگارها از صاحبان قلوب آلوده به آنها و همچنین برای جلوگیری از گرفتار شدن سایر افراد در این دام گسترده خاورشناسان، اقتضا می‌کند: پژوهش‌های چندی در نقد و پاسخگویی به این سلسله از شبهات تنظیم شود تا بدین وسیله رابطه مستحکم میان قرآن و مخاطبان آن، دچار آسیب نشود؛ و تا سرانجام هدف از نزول این برترین کتاب آسمانی محقق شود. با وجود اینکه در بخشی از آثار دانشوران قرآنی شیعی و سنی، به صورت موردی به برخی از شبهات مستشرقان در حوزه قرآن پاسخ داده شده است؛ ولی با توجه به تداوم و گسترش شبهات از سوی آنان، باید در جهت پاسخ‌دهی به این شبهات و زدودن آنها، کارهایی جامع‌تر و کامل‌تری انجام پذیرد، و آثاری گویا و دقیقاً ناظر به آنها، تدوین شود تا مومنان به قرآن از آموزه‌های آن جدا نشوند و همچنان این برترین کتاب آسمانی، راهنمای آنان و موجب هدایتشان باشد.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

با جستجوی صورت یافته در کتب، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات، اثری خاص با عنوان «نقد و بررسی شبهه مستشرقان در مورد «مصدر بودن اشعار امیه ابن ابی الصلت»» یافت نشد ولی آثار عامی در این زمینه مورد شناسائی قرار گرفته‌اند؛ از جمله:

الف. کتاب «شبهات و ردود، معرفت، محمد هادی؛ این کتاب توسط جمعی از مترجمان، به فارسی بازگردانده شده؛ و تحت عنوان «نقد شبهات پیرامون قرآن کریم»، توسط موسسه فرهنگی انتشاراتی «التمهید» قم در سال ۱۳۸۵ ش، منتشر گردیده است؛ در صفحه ۲۸۸ تا ۲۹۰ این کتاب؛ پس از طرح این پرسش: «آیا قرآن از شعر جاهلی تأثیر پذیرفته است»؛ به این نکته توجه داده شده است که دکتر کلر تسدال، در کتاب «مصادر الإسلام»، به نقل سخنان برخی از منتقدان به قرآن؛ مبنی بر تأثیر پذیری این کتاب از برخی از سروده‌های عصر جاهلیت پرداخته است؛ مؤلف کتاب «شبهات و ردود»، در ادامه بصورت فشرده به پاسخ از این سخن پرداخت.

ب. کتاب «مستشرقان و قرآن» (۱۳۸۵ ش) نوشته محمد حسن زمانی؛ در بخشی از این کتاب به صورت کلی به بحث دیدگاه‌های مستشرقان و اسلام شناسان غربی درباره مصدر قرآن پرداخته شده و لی فاقد تطبیق میان آیات و آثار مورد ادعاء است.

ج. کتاب «فرضیه اقتباس قرآن کریم از مصادر غیر الهی؛ بررسی و نقد شبهات خاورشناسان» (۱۳۹۳)، نوشته محمدسعید فیاض، چاپ اول، انتشارات فلاح قم به چاپ رسیده است. در این نوشتار نخست تاریخچه‌ای از فرضیات مختلف ارائه شده در مورد منبع و مصدر آیات قرآنی ارائه شده و سابقه برخی از خاورشناسان در زمینه معرفی برخی از منابع غیر الهی برای این کتاب آسمانی، مورد بحث و بررسی تاریخی قرار گرفته است. سپس برخی از ادعاهای مطرح شده از سوی مستشرقان را در مورد استفاده کردن قرآن از منابع و مصادر یهودی و مسیحی و سایر ادیان و ملل، مورد نقد و ارزیابی قرار داده و به شبهات متعددی پاسخ داده است.

د. مقاله «تأملی بر ایرادهای مستشرقان بر و حیانی بودن قرآن»، راشدی نیا، اکبر، فصلنامه «قبسات»، ۱۳۸۲ ش، شماره ۲۹، ص ۱۸۹ - ۲۰۰.

ه. نقد و بررسی ادعای اقتباس قرآن از اشعار جاهلی، نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث (مقالات و بررسی‌ها)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، معارف، مجید؛ و وحیدنیا، آلاء، سال چهارم و هفتم پاییز و زمستان ۱۳۹۳ شماره ۲ سال چهارم و هفتم، شماره دوم، پاییز و



نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیهین أیبالصلت ثقفی» همراه با...؛ مظفری و شفیعی دارابی | ۴۷

زمستان ۱۳۹۳ش، ص ۳۲۰-۳۰۱.

و. مقاله «نقد نظریه اقتباس قرآن از ادب زمانه با تحلیل دیدگاه یوسف حدّاد»؛ حمزه لویان، علی؛ و مفتّح، محمد هادی؛ فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۹۴ش، ص ۹۸-۱۱۶.

ز. مقاله «نقد دیدگاه مستشرقان در مورد تأثیرپذیری قرآن از اشعار عصر نزول»، اسکندرلو، محمد جواد، و ابراهیمی، اسماعیل؛ فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، سال یازدهم، شماره ۱، پیاپی ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۵ش، ص ۱۰۱ تا ۱۲۸.

ح. مقاله «خاورشناسان و شبهه سرقت ادبی در قرآن» (۱۳۹۸ش)، اسکندرلو، محمد جواد؛ و خان بابا، مژگان، دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، سال چهاردهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان، ص ۹۸-۱۱۶.

نکته شایان توجه این است که: مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی شبهه مستشرقان در مورد مصدر وحی بودن اشعار امیه بن ابی الصلت ثقفی»، نوشته: خانم‌ها: سکینه آخوند، و فضیله سلطانی نژاد، به چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و مطالعات رفتاری ایران (برگزار شده در سال ۱۳۹۷ش) عرضه شد؛ ولی همانندیش با این مقاله، محدود به عنوان و موضوع می‌باشد؛ اما این دو مقاله، به لحاظ ساختاری، و محتوایی، کاملاً متفاوت می‌باشند؛ بدین جهت، معتقد به ضرورت تدوین این مقاله و سودمندی آن می‌باشیم.

۲. بازخوانی خاستگاه شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیه ابن ابی الصلت»

و طراحان اصلی آن

تردیدی در این نیست که دین اسلام در سرزمینی شعرپرور و شاعرخیز «جزیره العرب» ظهور کرد. مردم این خطه، در سخنوری و سخن‌شناسی، توانا بوده و به شعر و شاعری بسیار اهمیت می‌دادند. شاعرانی که همزمان با ظهور اسلام در جزیره العرب می‌زیستند از توان بالائی در این حوزه برخوردار بوده و در میان قوم خویش، عزیز و محترم بودند. در

میان اشعار منسوب به جاهلیت، گاه اصطلاحات دینی، عبارت‌ها و مفاهیمی مشاهده می‌شود که با مفاهیم، تعابیر و اصطلاحات دینی قرآنی شباهت دارد (ر.ک؛ رضوان، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۵۸) ادعای تقدم زمانی اشعار پاره‌ای از آنان بر قرآن کریم، موجب گردید تا برخی از مستشرقان چنین پندارند که اشعار جاهلی می‌تواند یکی از منابع قرآن تلقی شود. شبهه «تأثیرپذیری قرآن از اشعار عصر نزول»، ابتداء از سوی برخی مستشرقان همچون تسدال<sup>۱</sup> و «کلمان هوآر»<sup>۲</sup> (همان، ج ۱: ۲۵۵) مطرح شده است.

۱. ویلیام سنت کلر تسدال (William st. clair tisdall) در ۱۸۵۹م متولد شده و در سال ۱۹۲۸م وفات کرده است. وی مستشرق، مبشر، اسلام پژوه، زبان شناس انگلستانی است. کلر تسدال با تجربه سال‌ها حضور در کشورهای شرقی چون هند و ایران به زبان‌های عربی، هندی، فارسی، پنجابی و گجراتی تسلط داشت. ایشان کتاب‌هایی درباره دستور این زبان‌ها نوشته است. همچنین کتاب‌هایی جدلی در رد عقاید اسلامی به زبان فارسی نگاشته که بعدها به زبان‌های غربی هم ترجمه شده است. مهم‌ترین این نوشته‌ها منابع الاسلام بوده که موجب واکنش عالمان مسلمان و نگارش ردیه‌های بسیار شده است (جفری و دیگران، ۱۳۹۵ش). قرآن‌شناسی امامیه در پژوهش‌های غربی، ص ۱۹) از آثار معروف وی می‌توان «منابع اصلی قرآن» را نام برد که تا مدت‌ها پس از ایشان، یکی از نوشته‌های مورد توجه در موضوع منابع قرآن بود و پژوهش‌گران بسیاری به کتاب فوق ارجاع داده‌اند. تسدال مدتی را به عنوان دبیر جمعیت میسیونری کلیسای انگلیس، در اصفهان گذراند. از آثار دیگر وی «منابع اسلام» است این اثر را پیش «منابع اصلی قرآن» نگاشته است. این کتاب تسدال، پس از اثر گایگر، مفصل‌ترین اثری است که به طور گسترده به بحث منابع قرآن پرداخته و منابع متعددی را ادعا نموده است. وی در کتاب خود به ذکر مصادیق مختلف در هر بخش پرداخته و البته در مواردی، مانند بخش چهارم کتاب، همان گونه که خود وی در پیشگفتار کتاب اشاره نموده، از دیدگاه‌های گایگر استفاده کرده است. این کتاب در شش بخش تدوین شده است. پس از پیشگفتار، در بخش اول، تسدال به اعتقاد مسلمانان درباره ی قرآن اشاره کرده و با طرح شبهاتی در مورد نگارش و تدوین قرآن، اولین قدم را در تلاش برای اثبات غیر الهی بودن قرآن بر می‌دارد. در بخش دوم، به تأثیر اعتقادات و آداب اعراب در قرآن پرداخته شده است. بخش سوم کتاب، در مورد تأثیر عقائد صابئین و اعتقادات یهود بر قرآن است. بخش چهارم به بررسی ریشه‌های مسیحیت و انجیل‌های مسیحی در قرآن می‌پردازد و بخش بعدی، در مورد عناصر موجود از فرهنگ زرتشتی در قرآن است. بخش پایانی و ششم کتاب نیز به حنفاء و تأثیر آنان در اسلام پرداخته است. (William st. clair tisdall. The original Sources Of The Quran Society For Promoting Christian Knowledge. London 1905.)

۲. کلمان هوآر (clement huart) در سال ۱۸۵۴ میلادی در فرانسه متولد شد. وی در سه حوزه زبان زنده شرقی (فارسی، عربی و ترکی) فعالیت می‌کرد. به عنوان پنجمین استاد، کرسی زبان فارسی در مدرسه زبان‌های زنده شرقی پارس، آثار متنوع و گاه بی بدیلی درباره ادبیات فارسی، دستور زبان فارسی، گویش‌های ایرانی و تاریخ و فرهنگ ادامه ←

نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیهین ابیالصلت ثقفی» همراه با...؛ مظفری و شفیع دارابی | ۴۹

نکته شایان توجه اینکه: از جمله اشعار جاهلی که برخی از مستشرقان میان آنها و قرآن شباهتی یافته و تأکید بر تأثیرپذیری قرآن از آنها را نموده‌اند: اشعار «امیه بن ابی الصلت» و اشعار «امرؤالقیس» است؛ ولی در این مقاله، تنها شبهه تأثیرپذیری قرآن از سروده‌های شاعر اول، مورد واکاوی و نقد قرار خواهد گرفت.

## ۲-۱. جایگاه شعری «امیه بن ابی الصلت»

پیش از پرداختن به طرح شبهه مستشرقان؛ مبنی بر تأثیرپذیری قرآن از سروده‌های «امیه بن ابی الصلت» و نقد آن؛ ابتداء لازم است بصورت فشرده به معرفی این شاعر پرآوازه دوره جاهلیت پرداخته شود، و شناخت مناسبی نسبت به شخصیت، دوران زندگی و همچنین انواع اشعار وی به دست آید؛ و در ادامه، شبهه مورد اشاره، به صورت جامع و کامل در معرض نقد و بررسی قرار گیرد.

امیه بن ابی الصلت در قرن هشتم یا نهم هجری قمری می‌زیست. وی فرزند عبدالله ابن ربیع از تیره قسی، از قبیله بزرگ ثقیف، شاعر و شخصیت پیچیده و مسأله‌ساز دوران جاهلی و صدراسلام است. مادر ایشان، رقیه دختر عبدشمس ابن عبدمناف است (ر.ک؛ ابن قتیبه الدینوری، ۱۹۵۸م: ۳۶۹) و همسرش ام حبیب و دختر ابوالعاص بود (ر.ک؛ ابن حزم اندلسی، بی‌تا: ۲۶۷) جمعی از اعضاء خانواده وی، اهل شعر و شاعری بودند پدرش ابوالصلت در زمینه شعر نام‌آور بود، از فرزندش قاسم نیز دو بیت در «الحيوان جاحظ» (ر.ک؛ جاحظ، ۱۳۵۱ق، ج ۱: ۶۴) ثبت گردیده است. خواهر ایشان، فارعه از آن باب

---

ایرانی را منتشر کرد. در دهه ۱۸۷۰ میلادی علاوه بر نگاشتن آثار متنوع، در مدرسه زبان‌های شرقی به تدریس نیز مشغول شد. کلمان هوآر بر این باور است که اصلی‌ترین مصدر قرآن را اشعار امیه بن ابی صلت می‌باشد چرا که میان اشعار و متن قرآن در دعوت به توحید و توصیف آخرت و نقل داستان‌های پیامبران قدیم عرب، تشابه بسیاری وجود دارد و وی می‌پندارد که مسلمانان، شعر امیه را نابود کردند و خواندن آن را حرام دانستن تا برتری با قرآن باشد. نک: ساجدی صبا، طهمورث (۱۳۸۷ش)، کلمان هوآر، ایران شناس فرانسوی، نامه فرهنگستان، دوره ۱۰، شماره ۱ (پیاپی ۳۷)، ص ۱۲۱ - ۱۲۹.

مشهور است که گویند اخبار وی را برای حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کرده است (ر.ک؛ ابن عبدالبر، ۱۹۹۲م، ج ۴: ۱۸۸۹-۱۸۹۰) اشعاری به امیه بن ابی الصلت منسوب است که با همه اشعار جاهلی تفاوت دارد. در این اشعار، گاه عین الفاظ برخی از داستان‌های خاص قرآن کریم، آمده است؛ از سوی دیگر، مسلم است که این شاعر پرآوازه عرب، تا پایان عمرش، مسلمان نشده و حتی برای کافرانی که در بدر به قتل رسیده بودند، مرثیه سروده است (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۹۶۳م، ج ۴: ۱۲۷).

## ۲-۲. پیشینه شکل‌گیری شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «أُمِّيَّةِ بْنِ أَبِي الصَّلْتِ»

این شبهه مستشرقان، با اظهار نظر «کلمان هوار» (شرق‌شناس فرانسوی متولد ۱۶ فوریه ۱۸۵۴م، در گذشته ۳۰ دسامبر ۱۹۲۶م) آغاز شد؛ وی، کتاب «البدء و التاریخ»، تألیف «ابو نصر بن مطهر بن طاهر مقدسی» (از مورخان و مولفان قرن چهارم هجری) را به فرانسه ترجمه کرد؛ مجموعه بزرگی از اشعار «امیه» که در این کتاب گرد آمده است؛ بیشتر شامل اشعار دینی و اسطوره‌ای اوست (ر.ک؛ حدیثی، ۱۹۷۵م: ۲)؛ محتوای این کتاب، سخت نظر «کلمان هوار» را به خود جلب کرده است. وی بحث خود را با گسترش مسیحیت در شبه جزیره عربستان آغاز می‌کند سپس به بیان زندگی‌نامه «امیه» و جعل شعر در آغاز دوره اسلامی می‌پردازد (ر.ک؛ همان: ۱۴۲) و سرانجام به این بحث می‌رسد که در قرآن کریم تقلید از شعر «امیه» دیده می‌شود. این مستشرق فرانسوی، نخست به بررسی داستان حضرت صالح (علیه السلام) و قوم ثمود می‌پردازد که به قول «نولدکه»<sup>۱</sup> داستانی صرفاً قرآنی است که در آثار کهن عرب یا کتب آسمانی به آن اشاره‌ای نشده است. اگر همه مضامین و بیشتر الفاظ و ترکیب‌های شعر منسوب به امیه، شبیه به قرآن باشد، باید پنداشت که شعر وی، جعلی است و پس از اسلام ساخته شده است. اما «کلمان هوار» بیان می‌کند: چون در اخبار حاکی از سروده‌های «أُمِّيَّةِ بْنِ أَبِي الصَّلْتِ»، نامها و الفاظی خاص یافت می‌شود که

۱. تئودور نولدکه (به آلمانی: Theodor Nöldeke) (زاده ۲ مارس ۱۸۳۶ - درگذشته ۲۵ دسامبر ۱۹۳۰)

یکی از برجسته‌ترین خاورشناسان آلمانی و از قرآن پژوه و نویسنده کتاب «تاریخ قرآن» به زبان آلمانی است.

نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیهین آیالصلت ثقفی» همراه با...؛ مظفری و شفیع دارابی | ۵۱

در قرآن نیست، دیگر نمی‌توان آنها را تقلید از قرآن تلقی کرد، بلکه باید باور داشت که شعرها واقعی است و پیش از نزول قرآن وجود داشته است. استدلال «هوار» را کسی جز «پاور» باور نکرد (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۹۶۳م، ج ۴: ۱۲۳) دو سال پس از آن «شولتس» در یادنامه «نولدکه»، پس از بحث درباره «امیه» و تفکرات دینی وی، نظریه «هوار» را چنین تعدیل کرد که «البته همه این اشعار را از آن «امیه» نمی‌توان دانست»؛ (همان) اما انبوهی از آنها که به آیات الهی شبیهند، خواه جعلی، خواه واقعی از منابع کهن اقتباس شده‌اند (همان).

## ۲-۳. انکار تأثیرپذیری قرآن از سروده‌های «أُمِّيَّةُ بِنِ ابِي الصَّلْتِ» در آثار برخی از مستشرقان

اگرچه مستشرقانی همچون «کلان هوآر»، به تقدم زمانی سروده‌های «أُمِّيَّةُ بِنِ ابِي الصَّلْتِ» باور داشته و آن را بن مایه طرح شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار وی قرار داده؛ اما مستشرقان دیگری در قبال دیدگاه وی، موضع گرفته و شدیداً آن را مورد انکار قرار داده‌اند؛ از جمله: «تور آندره» (۱۸۸۵-۱۹۴۷م)<sup>۱</sup> با پژوهشی موشکافانه، موضوع تأثیرپذیری قرآن از سروده‌های «امیه» را بررسی کرده و نظریه «کلان هوآر» را به کلی ناصحیح خواند و استدلال‌های وی را رد نمود و محور اصلی نظریه او؛ یعنی «پیش‌تر بودن اطلاعات داده شده در شعر «امیه» نسبت به قرآن کریم»... را به شدت مورد انتقاد قرار داد (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۹۶۳م، ج ۴: ۱۲۳). غیر از اینها روایت‌هایی وجود دارد که تشکیک در انتساب اشعار منسوب به «امیه» و غیر او را از همان آغازین سال‌های قرن نخست، نشان می‌دهد. در روایتی چنین آمده که حسن بن علی (ع) از «نابغه جعدی» (= قیس بن عبدالله

۱. تور آندره، (۱۸۸۵-۱۹۴۷م)، اسلام شناس لوتری مذهب سوئدی؛ استاد الهیات و اسقف شهر لینکوپینگ در جنوب غربی استکهلم و پژوهشگر مقایسه‌ای ادیان سوئدی و اسقف لینکوپینگ از ۱۹۳۶م؛ وی که خود یک روحانی بلند پایه و آگاه به معارف مسیحیت بود، پژوهش‌هایی درباره اسلام، زندگی حضرت محمد (ص) و عرفان اسلامی انجام داد و نکات نسبتاً تازه‌ای در این زمینه بر دانسته‌های پیشین افزود. از جمله آثار وی، کتاب «زندگی و آیین محمد» می‌باشد که پژوهشی است درباره زندگی پیامبر اسلام از کودکی تا پایان حیات و دارای ۷ فصل.

جعدی؛ صحابی و شاعر عربی؛ و متوفای سال ۷۰ق) خواست که شعری از خود بخواند، پس «نابغه» قصیده‌ای به این مطلع خواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ      مَنْ لَمْ يَقْلُهَا فَنَفْسُهُ ظَالِمًا

پایان زندگی «امیه» سراسر، افسانه است. معروف‌ترین داستان، ماجرای دو پرنده است که بر سقف خانه وی فرود می‌آیند، سقف شکاف برمی‌دارد، دو پرنده با یکدیگر سخن می‌گویند، یکی بر سینه «امیه» که بیهوش افتاده بود، می‌نشیند. آنگاه «امیه» هوشیار می‌شود و ندای پرندگان را پاسخ می‌دهد، چند بیت می‌سراید و سپس جان می‌سپارد (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: صص ۱۲۳-۱۲۸).

بررسی و نقد دیدگاه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیه بن ابی الصلت».

برخی از مستشرقان صرفاً با مشاهده شباهت‌هایی میان قرآن و اشعار «امیه» مسئله اقتباس قرآن از اشعار امیه را بیان نموده‌اند (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۹۶۳م، ج ۴: ۱۲۳) دیدگاه آن‌ها را می‌توان از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی و نقد قرار داد.

### ۲-۳-۱. نقد اول: مشکوک بودن انتساب سروده‌ها به «امیه»

درستی انتساب اشعار منسوب به امیه، مشکوک است (ر.ک؛ دسوقی، ۱۹۹۶م: ۱۰۳) روایت‌هایی وجود دارد که حاکی از وجود تشکیک در این انتساب از همان آغازین سال‌های قرن نخست، می‌باشد. بخش اعظم آنها از بین رفته و هیچ شعری را نمی‌توان با قاطعیت به وی نسبت داد مگر قصیده‌ای را که در مدح و ثنای کشته شدگان مشرک در جنگ بدر سروده است (ر.ک؛ فروخ، ۱۹۸۱م، ج ۱: صص ۲۱۷ و ۲۱۸).

### ۲-۳-۱-۱. تکملة نقد اول

دکتر جواد علی در پاسخ سوال مطرح شده در خصوص شباهت اشعار «امیه بن ابی الصلت» به آیات قرآن به بررسی چهار امر احتمالی می‌پردازد: الف. امیه، اشعار خود را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اقتباس نموده که در این صورت، مسلمانان وی را رسوا می‌نمودند ب. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قرآن را از اشعار «امیه» اخذ نموده که در این حالت

نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیهن أیصالک ثقفی» همراه با...؛ مظفری و شفیع دارابی | ۵۳

مشرکین ساکت نمی‌نشستند ج. هر دو از یک منبع واحد، مثل تورات یا انجیل بهره برده‌اند که در این صورت باید این تشابه در موضوعات مشترک این کتب آسمانی مشهود باشد اما در شعر «امیه» موضوعاتی بیان شده که تنها در قرآن کریم است نه در کتب دیگر د. اشعار امیه توسط مسلمانان دیگر ساخته و جعل شده است (ر.ک؛ علی جواد، ۱۹۷۰م، ج ۱: صص ۴۹۰ - ۴۹۵) در نهایت دکتر جواد علی، پس از بیان چهار احتمال منطقی، احتمال چهارم را می‌پذیرد و جعلی بودن اشعار منسوب به «امیه» را تأیید می‌نماید.

## ۲-۳-۱-۱-۱. شواهد نقد اول

### الف. وجود تعارض بین سروده‌های منسوب به «امیه»

یکی از موضوعاتی که جعلی بودن اشعار امیه را بیشتر تقویت می‌کند تعارض مطرح در اشعار اوست؛ وی از یک طرف، مدح پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کند (ر.ک؛ ابن هشام، ۱۳۵۵ش، ج ۲: ۳۰) و از سوی دیگر در رثای مشرکان کشته شده در جنگ بدر می‌سراید (ر.ک؛ رضوان، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۵۵). جمع بین این اشعار متعارض امری غیر ممکن است.

### ب. عدم مشابهت بین سروده‌های «امیه» با سروده‌های عصر جاهلی

اشعار منسوب به «امیه» شباهتی با اشعار جاهلی ندارد و از نظر ساختار ضعیف بوده و ضعف بلاغی آن در برخی از ابیات به روشنی مشاهده می‌شود. اگر این اشعار را «منحول»<sup>۱</sup> بدانیم باید گفت: اشعار مورد بحث در قرن اول هجری ساخته و پرداخته شده است؛ زیرا برخی از علمای متقدم، بخشی از این اشعار را در آثار خود آورده‌اند هر چند احتمال دارد که اکثر این اشعار در دوره حجاج بن یوسف ثقفی و به قصد تقرّب به وی وضع شده باشند، زیرا حجاج از ثقیف بوده و در دوره وی جاعلان اخبار، خبرهای زیادی برای ارتقاء شأن ثقفی «حجاج» می‌ساختند تا از این طریق به امیر کوفه تقدم جویند (ر.ک؛ آذرنوش،

۱. واژه «منحول» از ماده «نحل» به معنی «شعر و سخن بر بسته بر خود که دیگری آن را سروده» می‌باشد (صفی پور، ۱۳۹۶، ذیل کلمه «نحل»). به تعبیر دیگر: «شعر دیگری که بی تغییر الفاظ و مضمون به نام خود خوانده باشند» (غیاث الدین، ۱۳۷۵، ذیل کلمه «نحل»)

۱۳۹۴ش: ۱۰) «شوقی ضیف»<sup>۱</sup> نیز معانی و مضامین وارد شده در شعر «امیه» را «منحول» می‌داند و از نظر وی این اشعار توسط دسته‌ای «قصاص» (داستان سرا) و «وعاظ» در دوره‌های متأخر از عصر جاهلی وضع شده‌اند و ساختگی می‌باشند (ر.ک؛ شوقی، ۱۴۱۸ق، صص ۳۹۵ و ۳۹۶).

## ۲-۳-۲. نقد دوم: امکان اقتباس «امیه» از قرآن

اگر در مورد ابیات منسوب به «امیه» و قرآن، بنا را بر اقتباس گذاریم؛ جای این پرسش وجود دارد که: کدام یک، شایسته اقتباس از دیگری است؛ قرآن یا امیه؟ دانشوران رجالی، «امیه» را از شاعران «حنیف»<sup>۲</sup> دانسته‌اند که همواره به مطالعه تورات و انجیل می‌پرداخته و در اشعارش از آنها بهره می‌جسته است. اکنون جای این پرسش وجود دارد که آیا وی نمی‌تواند در اشعارش، از قرآن نیز بهره گرفته باشد؟ او تا سال نهم هجری زنده بوده و امکان این اقتباس وجود داشته است، چون وی با مطالعه کتب مقدس می‌دانست که پیامبری ظهور خواهد کرد و آرزو داشت همان پیامبر موعود باشد اما پس از شنیدن خبر رسالت پیامبر اسلام (ص) از روی حسد، کفر ورزید (ر.ک؛ رضوان، ۱۴۱۳ق: ۲۵۸) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره وی می‌فرماید: «آمن لسانه و کفر قلبه»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰: ۹): «امیه با زبان خود ایمان آورد ولی قلب وی کافر شد».

با توجه به تحلیل مذکور می‌گوییم: هرگز قرآن از اشعار «امیه» تأثیر نپذیرفته است بلکه

۱. احمد شوقی ضیف (درگذشته ۲۰۰۵م) مشهور به شوقی ضیف ادیب، عالم لغوی و رئیس سابق «مجمع اللغة العربیة المصری» در ۱۳ نوامبر ۱۹۱۰م، در قریه «اولاد حمام» از توابع شهر «دمیاط»، در شمال مصر، دیده به جهان گشود. از دوران زندگی، اساتید و شاگردان وی، اطلاع زیادی در دست نیست. او در دهم مارس ۲۰۰۵م در نود و پنجمین سال از زندگانی خویش، دنیا را در حالی وداع گفت که حدود پنجاه اثر جدی در حوزه‌های مختلف از تاریخ ادبیات گرفته تا مباحث گوناگون نقد ادبی، بلاغت، دستور زبان، تحقیق و تصحیح متون، فرهنگ عامه و... به نگارش درآورده بود.

۲. در ادبیات پیش از اسلام، حنیف دارای معنای مثبت بوده است. (ایبیری ابراهیم، السیرة النبویة؛ ابن هشام، ج ۱، ص ۳۰۴) شعری که درباره دین و یا به پشتوانه دین سروده شده و دارای موضوع دینی و یا موضع دینی باشد را شعری دینی و سراینده‌گان آن را شاعران حنیف می‌نامند.



نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیهن أیالصلت ثقفی» همراه با...؛ مظفری و شفیع دارابی | ۵۵

اگر اقتباسی رخ داده باشد، حتماً امیه از قرآن تأثیر پذیرفته است.

## ۲-۳-۱. تکملة نقد دوم

بهجة عبد الغفور الحدیثی (۱۹۷۵م) اشعار «امیه» را به دو بخش تقسیم نموده است: الف. بخش اول که در آن، آثار اعتقادات حنفاء، یهود و نصاری پیداست ب. بخش دوم که در آن آثار تعالیم قرآنی را می توان یافت... وی سپس نتیجه می گیرد: بخش اول از آن «امیه» است اما بخش دوم همان طور که از اسلوب و معانی آن پیداست و... آشکار است که با استمداد از قرآن سروده شده، منحول و ساختگی است (ر.ک؛ حدیثی، ۱۹۷۵م: ۱۲۷).

## ۲-۳-۳. نقد سوم: گستردگی مفاهیم و معارف قرآنی مانع از اقتباس قرآن از

اشعار امیه است

اگر قرآن محدود به مفاهیم موجود در اشعار «امیه» بود باز می توانست در الهی بودن قرآن، جای تردید برای گروهی وجود داشته باشد اما قرآن برای روابط انسان با خدا، خویش، دیگران و طبیعت، برنامه ریزی کرده و امور دنیوی و اخروی او را سامان داده است. پس عاقلانه آن است که گفته شود جزء، از کل بهره گرفته است (ر.ک؛ خوانساری، ۱۳۸۶ش: ۲۱۴)؛ به سخن دیگر: وقتی در قرآن مباحث کلی مختلفی مربوط به دنیا و آخرت انسان مطرح شده است، چگونه می تواند این مباحث کلی از مباحث جزئی ای که «امیه» در اشعار خود مطرح کرده است تبعیت نماید؟ واژه هایی که «امیه» در اشعار خود به کار برده و همچنین مضامینی که اشعار وی بر آنها دلالت می کند چند مورد بسیار جزئی است و شایسته نیست که کل با مضامین فراوان از جزء با مضامین جزئی پیروی کند؛ زیرا همان گونه که دانشمندان منطق بیان داشته اند، جزء پیرو کل است و خلاف آن با توجه به توضیحی که داده شد صحیح نیست.

## ۲-۳-۴. نقد چهارم: جلوه هائی از تأثیرپذیری «امیه» از متون دینی و ملی

با تتبع در سروده های «امیه» (امیه ابن ابی الصلت، عبدالله، ۱۹۳۴م) به وضوح مشخص

می‌شود که وی در این عرصه، از محتوای متون دینی پیشین و نیز متون ملی و اقوام مختلف، بهره‌جسته است؛ اینست که می‌بینیم: یکی از خاورشناسان درباره سبک اشعار امیّه می‌نویسد: امیّه آن‌گاه که جهنم را توصیف می‌کند از تورات پیروی کرده و وقتی به توصیف بهشت می‌پردازد از قرآن پیروی کرده و زمانی که داستان‌های تاریخی را بیان می‌کند به اسطوره‌های ملی یونانی پناه برده است (ر.ک؛ رضوان، ۱۴۱۳ق، ج: ۱: ۲۶۱).

## ۲-۳-۵. نقد پنجم: وجود تناقض در گفتار مدعیان تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیّه»

بعضی از خاورشناسان، مانند «کلان هوار» بر این باورند که پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مسلمانان اشعار امیّه را محو کردند (ر.ک؛ عبدالواحد، ۲۰۰۱م: ۹۲) اگر بپذیریم که مسلمانان اشعار امیّه را محو کردند سوال ما از این مستشرق و هم‌فکرانش این است: چطور شما پس از گذشت چهارده قرن از زمان نزول قرآن و مرگ «امیّه» توانستید اشعارش را پیدا کرده و تشخیص دهید که این اشعار، مصدر قرآن بوده است؟! به راستی جای شگفتی است که چگونه مستشرقان از یک طرف ادعا می‌کنند مسلمانان، اشعار امیّه را از بین بردند و از سوی دیگر اشعاری را به دست گرفته و به امیّه نسبت داده و شبهه اقتباس قرآن از اشعار وی را مطرح می‌نمایند. هیچ عاقلی نمی‌تواند این تناقض گویی را از جانب آنها بپذیرد.

## ۲-۳-۵-۱. شاهد بر درستی نقد پنجم

با توجه به سخن «آلیستر مک لود» (زاده ی ۲۰ جولای ۱۹۳۶ و درگذشته ی ۲۰ آوریل ۲۰۱۴؛ و رمان نویس کانادائی)؛ مبنی بر اینکه: «تنها همزمان با پایان یافتن قرن هشتم، تفکرات و احساسات دینی به حدی بر اذهان مسلمانان عادی سایه افکنده بود که این افکار راه خود را به شعر یافت». (آلیستر مک، ۱۹۵۳م، ج: ۱: ۷۴) این مسئله نیز قابل تأمل است که آیا در روزگار جاهلیت، تفکرات دینی به حدی بوده است که حجم بزرگی از اشعار دینی را بیافریند؟ برخی از واژگان قرآنی و مضامین قرآن در اشعار منسوب به «امیّه» دیده

نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیهن ابی الصلت ثقفی» همراه با...؛ مظفری و شفیع دارابی | ۵۷

می‌شود که حتی در تورات و انجیل وجود نداشته است؛ همین مسئله نشان از وجود نداشتن آن مضامین، پیش از قرآن است؛ و حتی می‌تواند بر اقتباس «امیه» از قرآن دلالت داشته باشد.

## ۲-۳-۶. نقد ششم: عدم هم‌خوانی بین محتوای معارف قرآن کریم با سروده طولانی «امیه»

میان شعر امیه بن ابی الصلت و معارف عظیم قرآن تناسبی وجود ندارد، شعر طولانی امیه بن ابی الصلت را که نه «کلمان هوآر» مدعی تأثیر پذیر قرآن از سروده‌های «امیه» آن را دیده و نه همفکران وی و کل سربازان استشراق در تاریخ (که هزار سال است به جمع آوری هر گونه نسخ خطی کشورهای عربی اقدام کرده‌اند)؛ به راستی، مستشرقان، از کجا و با چه رویی توانسته‌اند این ادعا را مطرح کنند که قصیده مذکور، جامع همه معارف کلی اسلام بوده است؟ علاوه بر این، قطعاً اگر چنین شعری در تاریخ صدر اسلام وجود داشت، اسلاف «کلمان هوآر» و دشمنان کینه توز معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرن‌های اولیه اسلام (که خیلی صریح‌تر و بی‌پروا تر با اسلام جنگیدند) آن را مطرح می‌کردند و در تاریخ ثبت می‌شد.

## ۲-۳-۷. نقد هفتم: اعتراف امیه به فوق‌توان بشری بودن کلام پیامبر اسلام (ص)

خود «امیه بن ابی الصلت»؛ در ضمن تعریف داستانی، با صراحت به ضعف اشعار خود و کلام فوق بشری بودن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اعتراف نموده است که خلاصه این داستان چنین است:

«با پیامبر قرار گذاشتیم در یک روز مشخص، جهت تحدی با قرآن آماده باشیم روز موعود فرا رسید و بنده با عده‌ای از بزرگان در محل قرار حضور پیدا کردم اشعار خود را سرشار از آرایه‌های ادبی و صنایع لفظی و معنوی بود خواندم؛ که همگان را به ستایش و اظهار شگفتی وا داشت. گویی آنان تا کنون چنین اشعاری را از کسی نشنیده بودند. دیگر

مطمئن شدم که پیروز بزرگ این میدان، من هستم نه محمد. نوبت به محمد رسید. وی در کنار کعبه بلند شد و رو به قریش ایستاد و آیاتی را خواند: «یس \* وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ \* إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ \* عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ...». یس/۱-۴ با خود گفتم این چگونه کلامی است که محمد بر زبان می‌آورد؟! واقعاً کلام بشر نمی‌تواند باشد! فکر نمی‌کردم که کلام محمد این گونه کلامی باشد. هرچه جلوتر می‌رفت، سست‌تر می‌شدم. با خود می‌گفتم این کلام فصیح و بلیغ نمی‌تواند کلام محمد باشد. شعر و سخن من در برابر «یس» هیچ بود. چون کلام او کلام دلنشین بود و مرا به اعماق باطنم می‌کشانید؛ نمی‌توانستم کلام او را قطع کنم و از مسجدالحرام بگریزم. کاش زمین دهان باز می‌کرد و امیه را در خود فرو می‌کشانید. دیگر برای امیه نامدار عرب چه چیزی مانده است؟ یاسین کلام کیست که این طور باطنم را به آتش کشیده است؟! به سختی از جایم بلند شدم. دیگر نمی‌خواستم کسی و چشمی را نظاره کنم و یا با کسی حرف بزنم. بلافاصله از بین جمعیت بیرون رفتم و حتی عبا و لباسم را نتوانستم جمع کنم، وقتی از مسجدالحرام برمی‌گشتم، قوم قریش رو به من کردند و گفتند: درباره محمد و کلام او چه می‌گویی ای امیه؟ بی آن که آنها را نگاه کنم گفتم: شهادت می‌دهم که محمد حق است و او فرستاده خدا است. بعد آنها گفتند: آیا قصد داری که از او پیروی کنی؟ گفتم باید اندکی بیندیشیم! (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: صص ۲۹۷-۲۹۹).

### بحث و نتیجه‌گیری

آنچه از تحقیق صورت یافته به دست آمده عبارت است از: الف. «کلمان هوار» و «تسدال» و هم فکرا نشان به علت نداشتن شناخت کامل از محتوا و متون اشعار «امیه ابن ابی الصلت» و مضامین آیات شریفه قرآن، شبهه مورد بحث در این تحقیق را مطرح نموده‌اند البته احتمال اینکه کاملاً متعمدانه چنین شبهه‌ای را مطرح کرده باشند را نمی‌توان نفی نمود.

ب. به کار رفتن برخی از واژه‌های قرآنی در چند بیت محدود منسوب به «امیه بن ابی الصلت»، به هیچ وجه نمی‌تواند دلیل بر اقتباس قرآن از سروده‌های وی باشد؛ ضمن آنکه

نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیهن أیالصلت ثقفی» همراه با...؛ مظفری و شفیعی دارابی | ۵۹

در قرآن کریم، واژه‌های فراوانی موجود است که در اشعار «امیه» خبری از آنها نیست. ج. در سراسر قرآن، فنون و صنایع ادبی جذاب و زیبایی وجود دارد که در سروده‌های «امیه»، اصلاً خبری از آنها نیست؛ زیرا عبارات موجود در اشعار وی، فاقد صنایع استوار ادبی هستند بلکه سست و در سطح بسیار ضعیف قرار دارند. د. اگرچه برخی از آشنایان به امیه ابن ابی الصلت، وی را از نظر ادبی، فردی برجسته دانسته‌اند ولی ابیاتی که «کلمان هوار» و «تسدال» مدعی منسوب بودن آنها به «امیه» هستند، گویا جعلی و سراسر افسانه است. نتیجه سخن اینکه: هرگز واژگان و جمله‌های قرآنی، از اشعار امیه بن ابی الصلت اقتباس نشده و این شبهه معاندان، از اساس باطل است.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

#### ORCID

Maryam Mozaffari  
Seyyed Hossein Shafiei  
Darabi

 <http://orcid.org/0009-0006-0344-5592>

 <http://orcid.org/0000-0002-3172-3725>

## منابع

- قرآن. مکارم شیرازی، ناصر. ترجمه قرآن (مکارم). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. ۱۳۷۳ش.
- ابن حزم. علی. (۱۴۰۳ق.). *جمهرها لانساب العرب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عبدالبر، ابی عمر یوسف بن عبدالله بن محمد. (۱۹۹۲م.). *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*. دارالجلیل. بیروت: بی‌نا.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق.). *معجم مقاییس اللغه*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله. (۱۹۶۴م.). *الشعر و الشعراء*. بیروت: بی‌نا.
- ابن منظور الانصاری الرویفی الافریقی. محمد بن مکرم بن علی. مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر. دمشق: دارالفکر. بی‌نا.
- ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۵۵ق.). *السیره النبویه*. ابن هشام. مصر: مطبعه مصطفی البابی الحلبی.
- آبوزید قُرشی، محمد بن ابی الخطاب. (۱۸۵۵م.). *جمهره الاشعار العرب*. بیروت: دارصادر.
- ابوالفرج، علی بن حسین بن محمد اموی قرشی. (۱۴۱۵ق.). *الاعانی*. بیروت: داراحیاء تراث عربی.
- آذرتاش، آذرنوش. (۱۳۷۷ش.). *تاریخ زبان و فرهنگ عربی*. تهران: سمت.
- اسکندرلو، محمدجواد؛ و خان‌بابا، مژگان. (۱۳۹۸ش.). *خاورشناسان و شبهه سرقت ادبی در قرآن*. دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان. سال چهاردهم. شماره ۲۶. بهار و تابستان. صص ۱۲۸-۱۰۱.
- آلیستر، مک گراث. (۱۹۵۳م.). *الهیات مسیحی*. ترجمه: بهروز حدادی. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- اصفهان‌ی، ابوالفرج. (۱۹۶۳م.). *الاعانی*. قاهره: بی‌نا.
- بشیر، یموت. (۱۹۳۴م.). *دیوان امیه ابن ابی الصلت*. بیروت: مکتبه الاهلی.
- بغدادی، عبدالقادر. (۱۴۰۲ق.). *خزانه الادب و لبّ لبان لسان العرب*. قاهره: بی‌نا.
- جاحظ بصری. عمرو بن بحر. (۱۳۵۱ق.). *البيان والتبيين به كوشش حسن سندویبی*. قاهره: بی‌نا.
- \_\_\_\_\_ . (۱۹۵۰م.). *الحيوان به كوشش عبدالسلام هارون*. بیروت: بی‌نا.
- . جفری، آرتو و دیگران. (۱۳۹۵ش.). *قرآنشناسی امامیه در پژوهشهای غربی*. ترجمه طباطبایی. محمدعلی. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.

نقد شبهه تأثیر پذیری قرآن از اشعار «امیهین آیالصلت ثقفی» همراه با...؛ مظفری و شفیع دارابی | ۶۱

جمعی از نویسندگان. (بی تا). *دانشنامه بزرگ اسلامی*. بی جا: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. حدیثی، بهجت عبدالغفور. (۱۹۷۵ م.). *امیه بن ابی الصلت حیاتہ و شعرہ*. بغداد: بی نا. حسینی همدانی، سید محمد. (۱۴۰۴ ق.). *انوار درخشان در تفسیر قرآن*. تهران: لطفی. حمزه لویان. علی؛ مفتّح، محمدهادی. (۱۳۹۴ ش.). نقد نظریه اقتباس قرآن از ادب زمانه با تحلیل دیدگاه یوسف حدّاد. *فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهشهای ادبی- قرآنی»*. سال سوم. شماره ۴. صص ۱۱۶-۹۸.

خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. (بی تا). *اساس الاقتباس*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

خوانساری، محمد. (۱۳۵۲ ش.). *منطق صوری*. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. دسوقی، محمد. (۱۹۹۵ م.). *الفکر الاستشراقی تاریخی و تقویمه*. بی جا: دارالوفا منصوره. راشدی نیا، اکبر. (۱۳۸۲ ش.). «تأملی بر ایرادهای مستشرقان بر وحیانی بودن قرآن». *فصلنامه قیاسات*. شماره ۲۹. صص ۲۰۰-۱۸۹.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم. رضایی هفتادر، حسین. (۱۳۹۸ ش.). زیست شناسی برخی خاور شناسان و آثار آنان. *دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان*. سال ششم. شماره ۱۰. صص ۱۶۳-۱۸۶. رضوان، عمر بن ابراهیم. (بی تا). *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره*. بی جا: دارالطیبه. سالم مکرم، عبدالعال. (۱۴۱۲ ق.). *من الدراسات القرآنیة*. قاهره: عالم الکتب. شیخ حرّعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق.). *وسائل الشیعه*. قم: موسسه آل البیت علیهم السلام. صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبد الکریم و همکاران. (۱۳۸۸ ش.). *منتهی الارب فی لغة العرب*. تهران: دانشگاه تهران.

ضیف، شوقی. (۱۴۱۸ ق.). *تاریخ ادبی عربی*. العصر الجاهلی. تهران: دارالمعارف. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش.). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو. طبری، محمدعلی. (۱۳۷۲ ش.). *زبده الآثار*. تهران: امیر کبیر. عبدالملک بن هشام و ایبازی، سقا و شبلی. (بی تا). *السیره النبویه؛ ابنهشام*. بی جا: دارالمعرفه. عبدالواحد، عبدالقهار. (۲۰۰۱ م.). *الاستشراق و الدراسات الاسلامیه*. عمان: دارالعرفان. بابتی، عزیزه فوال. (۱۹۹۸ م.). *موسوعه الشعراء العرب*. معجم الشعراء المختصرین و الامویین. لبنان:

دارصادر.

علی، جواد. (۱۹۷۰م.). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. بیروت: دارالعلم للملایین.  
غیاث الدین، محمدبن جلال الدین بن شرف الدین. (۱۳۷۵ش.). *غیاث اللغات*. چاپ سوم. تهران.  
امیر کبیر.

الفاخوری، حنا. (۱۳۹۰ش.). *تاریخ الادب العربی*. تهران: حیدری.  
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *العین*. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.  
فروخ، عمر. (۱۹۴۸م.). *تاریخ الادب العربی*. بیروت: دارالعلم للملایین.  
قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱ش.). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق.). *بحار الانوار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.  
مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵ش.). *مجموعه آثار شهید مطهری*. چاپ بیستم. بی‌جا: صدرا.  
معارف، مجید؛ وحیدنیا، آلاء. (۱۳۹۳ش.). *نقد و بررسی ادعای اقتباس قرآن از اشعار جاهلی*.  
*نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث (مقالات و بررسیها)*. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.  
سال چهل و هفتم پاییز و زمستان شماره ۲ سال چهل و هفتم. شماره دوم. پاییز و زمستان.  
صص ۳۰۱-۳۲۰.

معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۵ش.). *شبهات و ردود حول القرآن الکریم*. قم: موسسه فرهنگی  
التمهید.

میرسلیم، سید مصطفی. (۱۳۷۵ش.). *دانشنامه جهان اسلام*. بنیاد دائرة المعارف اسلامی.  
نساجدی صبا، طهمورث. (۱۳۸۷ش.). *کلمان هوآر*. ایران شناس فرانسوی. *نامه فرهنگستان*. دوره  
۱۰. شماره ۱ (پایپ ۳۷). صص ۱۲۱ - ۱۲۹.

## References

William st. (1905). *Clair tisdall the original sources of the Quran society for promoting Christian knowledge*. London .

## References [In Arabic & Persian]

Quran. Makarem Shirazi, Nasser. (1994). *Quran translation (Makarem)*.  
Qom: Islamic History and Studies Office.  
Abu Zaid Qureshi, Muhammad bin Abi al-Khattab. (1855). *Jamrah Al-Ashar al-Arab*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]  
Abul Faraj, Ali bin Hossein bin Muhammad Umayyad Qurashi. (1994).  
*Elaghani*. Beirut: Darahiya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]



- Azartash, Azarnoosh. (1998). *History of Arabic language and culture*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Alistair, McGrath. (1953). *Christian theology*. Translation: Behrouz Haddadi. Qom: Publications of the University of Religions and Religions. [In Persian]
- A group of writers. (N.D.). *The great Islamic encyclopedia*. The center of the great Islamic encyclopedia. [In Arabic]
- Alfakhori, Henna. (2010). *History of Arabic literature*. Tehran: Heydari. [In Persian]
- Ali, Javad. (1970). *Al-Musafal fi Tarikh al-Arab before Islam*. Beirut: Dar al-Alam Lamlayin. [In Arabic]
- Abdul Malik bin Hisham and Abiari, (n.d). *Saqqa and Shibli. Al-Sirah Al-Nabiyyah*; Ibn Hisham Location: Dar al-Marafa. [In Persian]
- Abdul Wahid, Abdul Qahar. (2001). *Al-Isthrag and Al-Islami studies*. Oman: Dar al-Irfan. [In Arabic]
- Babati, Azizeh Foal. (1998). *Encyclopedia of Arab poets. The dictionary of poets Al-Mukhdiramin and Al-Muwayin*. Lebanon: Dar Sader. [In Arabic]
- Bashir, Yamut. (1934). *The Umayyad court of Ibn Abi al-Salat*. Beirut: Al Ahli School. [In Arabic]
- Baghdadi, Abdul Qadir. (1991). *The library of literature and lips of the Arab language*. Cairo. [In Arabic]
- Dasoghi, Mohammad. (1995). *Al-Fakr al-Isthraghi history and calendar*. Daralvafa Mansoureh. [In Persian]
- Eskanderlou, Mohammad Javad; and Khan-Baba, Mezhgan. (2018). *Orientalists and the suspicion of plagiarism in the Qur'an. Bi-quarterly Quran studies of Orientalists*. fourteenth year Number 26. Spring and Summer. pp. 101-128. [In Persian]
- Esfahani, Abul Faraj. (1963). *Elaghani Cairo*. [In Arabic]
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1988). *Al Ain*. second edition. Qom: Hejrat Publishing. [In Persian]
- Farroukh, Omar. (1948). *History of Arabic literature*. Beirut: Dar al-Alam Lamlayin. [In Arabic]
- Ghiyas al-Din, Muhammad bin Jalal al-Din bin Sharaf al-Din. (1996). *Ghiyas al-Lawaq*. Third edition. Tehran. Amir Kabir. [In Persian]
- Geoffrey, Arter, and others. (2015) *Imamiyyah Qur'anology in Western studies*. Translation of Tabatabai. Muhammad Ali Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute. [In Persian]
- Hadithi, Behjat Abdul Ghafoor. (1975). *Umayya bin Abi al-Salat, life and poetry*. Baghdad. [In Arabic]
- Hosseini Hamedani, Seyyed Mohammad. (1993). *Bright lights in the interpretation of the Qur'an*. Tehran: Lotfi. [In Persian]

- Hamza-Lovian. Ali; Muftah, Mohammad-Hadi. (2014). *Criticism of the theory of Quran adaptation from contemporary literature with the analysis of Yusuf Haddad's point of view*. Scientific-Research Quarterly "Quranic-Literary Studies". third year. Number 4. pp. 116-98. [In Persian]
- Ibn Hazm Ali. (1982). *Jamrah al-Ansab al-Arab*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
- Ibn Abdul Bar, Abi Umar Yusuf bin Abdullah bin Muhammad. (1992). *Al-Astiaab in the knowledge of the Companions*. Dar Al Jail Beirut. [In Arabic]
- Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris. (1983). *Vocabulary Dictionary*. Qom: School of Islamic Studies. [In Persian]
- Ibn Qutaiba Dinuri, Abdullah. (1964). *Poetry and poets*. Beirut.
- Ibn-Manzoor Al-Ansari al-Raifei al-Afriqi. Muhammad bin Makram bin Ali. (n.d). *A brief history of Damascus Laban Asaker*. Damascus: Dar al-Fekr. [In Arabic]
- Ibn Hisham, Abdul Malik. (1976). *Al-Sirah Al-Nabawiyah*. Ibn Hisham. Egypt: Mostafa Al-Babi Al-Halabi Press. [In Arabic]
- Jahaz Basari Amr bin Bahr (1972). *Al-bayan and explanation by Hasan Sandoubi*. Cairo. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_. (1950). *Al-Haiwan by the efforts of Abdussalam Haroun*. Beirut. [In Arabic]
- Khwaja Nasir al-Din Tusi, Muhammad bin Muhammad. (N.D.). *The basis of the quote*. Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Khansari, Mohammad. (1973). *Formal logic*. Tehran: University of Tehran Publications and Press. [In Persian]
- Rashedinia, Akbar. (2003). *A reflection on the objections of Orientalists on the revelation of the Qur'an*. Qabsat Quarterly. Number 29. pp. 189-200. [In Persian]
- Majlesi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taghi. (1982). *Bahar Al-Anwar*. Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
- Motahari, Morteza. (2016). *The collection of the martyr Motahhari*. 20th edition. Sadra. [In Persian]
- Ma'arif, Majid; Vahidnia, Ala. (2013). Criticism of the claim of adaptation of Quran from Jahili poems. *Journal of Qur'an and Hadith researches (articles and reviews)*. Faculty of Theology and Islamic Studies. The forty-seventh year, autumn and winter, number 2, the forty-seventh year. Number two. autumn and winter. pp. 320-301. [In Persian]
- Ma'refat, Mohammad-Hadi. (2016). *Doubts and responses about the Holy Qur'an*. Qom: al-Tamhid Cultural Institute. [In Persian]
- Mirsalim, Seyyed Mustafa. (1996). *Encyclopedia of Islamic World*. Islamic Encyclopaedia Foundation. [In Persian]

نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیهن أبیالصّلت ثقفی» همراه با...؛ مظفری و شفیع دارابی | ۶۵

- Nesajedi Saba, Tahmures. (2008). *Kelman Huar*. French Iranologist. Academy letter. Period 10. Number 1 (37 consecutive). pp. 121-129. [In Persian]
- Qureshi, Seyyed Ali Akbar. (1991). *Quran dictionary*. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [In Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1991). *Vocabulary words of the Qur'an*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Rezaei Haftader, Hossein. (2018). *Biology of some orientalist and their works*. Two quarterly Quran studies of Orientalists. sixth year No. 10. pp. 163-186. [In Persian]
- Rizwan, Omar bin Ibrahim. (N.D.). *Orientalists' opinions about the Holy Qur'an and Tafsir*. Dar al-Taiba. [In Persian]
- Salem Makram, Abdul Al. (1991). *I study the Qur'an*. Cairo: Alam al-Katb. [In Arabic]
- Sheikh Har-Aamili, Mohammad Bin Hasan. (1998). *Al-Shia means*. Qom: Al-Al-Bayt Institute. [In Persian]
- Safi Puri Shirazi, Abdul Rahim bin Abdul Karim and colleagues. (2018). *The end of the Arab in the Arab language*. Tehran. University of Tehran. [In Persian]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian]
- Tabari, Mohammad Ali. (1993). *Antiquities*. Tehran. Amir Kabir.
- Zaif, Shoghi. (1997). *Arabic literary history*. Al-Asr Al-Jahili era. Tehran: Dar al-Maarif. [In Persian]

استناد به این مقاله: مظفری، مریم، شفیع دارابی، سیدحسین. (۱۴۰۲). نقد شبهه تأثیرپذیری قرآن از اشعار «امیه بن أبی الصّلت ثقفی» همراه با تحلیل دیدگاه‌های «کلان هوار» و «تسدال»، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی،

DOI: 10.22054/RJQK.2023.74529.2839 .۶۵-۳۹، (۵۴)۱۴



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.